



آخرین روزهای سال و زمین کچل امجدیه که نشانه‌ای از چمن مرغوب نداشت دور قیب‌دیرین را در حضور ۲۵ هزار تماشاگر به مصاف هم کشاند و داوری نامتعادل محمد صالحی که مسعود مزدهی را با کارت قرمز مواجه کرد جیغ رایکوف را درآورد. روزنامه اطلاعات فردای آن روز در تاریخ ۲۸ اسفند مثل سایر مطبوعات به شدت به

داغ شانزدهم: آلن جطوری؟
دربی سرخابی‌ها همیشه بخشی از زیبایی‌اش به بازیکنان خارجی‌اش بود و پریروز تنها خارجی دربی آقای شیخ دیاباته بود که در نیمه دوم به میدان آمد. اولین بازیکن خارجی دربی‌ها آلن ویتل بود



داوری تاخت و در گزارش بازی نوشت: آن چیز که همه را با اعصاب در هم ریخته از ورزشگاه بیرون کردند گل اول تاج بود که در زمان برتری پرسپولیس زده شد، نه گل مساوی پرسپولیس که در اوایلین دقایق بازی وارد دروازه تاج شد و خیلی‌ها درباره آن به عنوان موافق و مخالف صحبت کردند اما آنچه که ۲۵ هزار تماشاگر و ۲۲ بازیکن را عاصی و پریشان ساخت بی‌تفاوتی داور به خطاهای آغاز بازی بود که هر دو تیم به آن رو کرده بودند و سختگیری‌های ناگهانی داور که در نیمه دوم بازی دوبار یکن خطاری و یک اخراجی و شاید چند ساق پای ورم کرده و زخمی بر جای گذاشت! در ابتدای مسابقه کاملاً معلوم بود که جواد الله‌وردی با حالتی عصبی در مهار حسن روشن خشونت می‌کند و به خطا سبب توقف او می‌شود و در آن سوی میدان، جهانگیر کوثری با ابراهیم آشتیانی خشونت می‌کند و کارو حق وردیان و هر که از اه می‌رسید با علی‌رضا عزیزی درگیر می‌شد. روی هم رفته همه جای زمین درگیری آشکاری بود که سزاوارا خطار و تفکراتی جدی بودند ولی داور به همه آنها بی‌تفاوت ماند. اگر هم سوت می‌زد اغلب نامتعادل بودند و نه از روی برابری که همه اینها موجب عدم تعادل روحی همه بازیکنان شده بود. گل تاج، پرسپولیس را بیشتر کلافه کرد که بعد از آن هم دو سه گل تقریباً امکان‌پذیر خود را از دست داد و همین‌ها باعث درگیری بیشتر بازیکنان می‌شد اما داور سه خطا به کسانی داد که می‌شد با تذکر آنها رافع و رجوع کرد؛ عزت جانملکی را به خاطر تلف کردن وقت، ابراهیم آشتیانی را به خاطر غر زدن و مزدهی به دلیل آنکه سوت داور را نشنیده و بازی را ادامه داده بود. این چند اخطار در مقابل چند خطای واضح بازیکنان دو تیم اعصاب خردکن بود.

زد را کو رایکوف آن روز به خبرنگار اطلاعات گفت وقتی تمام تماشاگران دیدند که داور چه اشتباهی کرد من دیگر چه حرفی می‌توانم داشته باشم؟ داور توپی را که بعد از برخورد به تیر افقی دروازه - به فاصله نیم متر بیرون خط دروازه - روی زمین فرود آمد گل حساب کرد و ما را از یک برد حتمی محروم ساخت. مگر تیم تاج یک تیم خارجی است که باید همیشه در حقیق حق کشی کرد؟ قبول کنید در این شرایط، بازیکن روحیه و اعصاب خود را از دست می‌دهد و امکان هر عملی هست. برد صد در صد حق ما بود حیف که داور نگذاشت. بیوک آقا وطنخواه مربی قرمزها نیز تیم خود را مستحق پیروزی دانسته و به خبرنگاران گفت: من این سوی زمین نشسته بودم و به درستی حادثه را ندیدم ولی شاهد بودم که کمک داور با قاطعیت تمام گل اعلام کرد و به وسط زمین دوید.

سر استفاده یا عدم استفاده از صفر ایرانپاک در ترکیب فیکس تیم، به تیپ و تار هم زدند. آن روز شکست سنگین ۳-۰ از تاجی‌ها باند گردنکشان را چنان در جایگاه حق به جانب گذاشت که آنها بعد از بازی در رختکن به مربی نجیب خود بی‌احترامی‌ها و عصیان‌ها کردند. منصور خان چنان ایمانی به جایگاه مربی و نفس مبارزه با ستاره سالاری داشت که مجبور شد در بازی بعد آنها را به روی سکوها بفرستد و پروژه جوانگرایی خود را استارت بزند. پروژه‌ای که پیشاپیش محکوم به شکست بود. پس از شکست دربی بود که گروه معترضین سرخپوش با وقاحت تمام دم در رختکنی ایستادند و مربی را سین جیم کردند تا درباره باخت‌های مقضخانه خود توضیح دهد. در حالی که تماشاگران آتشین مزاج پرسپولیس به عنوان ناظری ساده‌دل، نبرد بازیکن و مربی را دید می‌زدند و از درد به خود می‌پیچیدند منصور خان بعد از شکست در دربی علنا در کیهان ورزشی شماره ۱۴ اردیبهشت ۵۶ اعلام کرد که من به تماشاگر پرسپولیس چیزی بدهکار نیستم. او در حالی که در همین چند روز به شدت لاغر شده بود گفت تماشاگر پرسپولیس چه چیزی به این تیم داده که امروز عوضش را می‌خواهد؟ من باید تیم فعلی را خراب کنم و روی خرابه‌های آن تیم جدیدی بسازم. من اجازه نمی‌دهم بازیکن در کارم دخالت کند. بالاخره با رفتن منصور خان از پرسپولیس، مهراب شاه‌رخ‌ی جایگزین‌اش شد و تیم در پایان به مقام نایب‌قهرمانی قناعت کرد و رقیب همیشگی‌اش تاج نتوانست عنوانی بهتر از چهارمی به دست آورد.

نشریه تاج ورزشی آن روز‌ها عکس آلن ویتل که امید سرخ‌ها در دربی پیش-رو بود را کنار مزدهی انداخت و ضمن چاپ خبری درباره ملاقات دو گلزن سرخابی نوشت که چشم امید قرمزها و آبی‌ها به ساق‌های این دو-مسعود مزدهی و آلن ویتل- دوخته شده است. تاج در شرح این تصویر از تیتربامزه آلن جطوری؟ استفاده کرد و در شرح عکس توضیح داد که: آلن ویتل در باشگاه بانوان تاج که محل توزیع جایزه تاج بود ساکت و صامع، گوشه‌ای ایستاده بود که مسعود مزدهی خودش را به او رساند تا او را از تنهایی بیرون بیاورد و دوتایی مشغول گپ زدن به زبان انگلیسی شدند. یکی از دوستان بارندی تمام گفت مسعود به ویتل چی می‌گی؟ مسعود مزدهی هم که از آن رندهای روزگار است بدون اینکه بگوید متوجه طعنه دوست شده، بی‌مقدمه گفت مشغول قر زدنش هستم! ویتل البته هرگز هوس حضور در تاج را نکرد چون سقلمه‌ای که یکبار در آسانسور خانه عیده از او خورده بود یک ماه تمام پهلوش را بکود کرده بود و دیگر لازم نبود از او مشت‌ی یا سیلی‌ای بخورد که تمام اعضا و جوارحش به زوق زوق بیفتد!



داغ هفدهم: دربی با لباس شنا
دیالوگ‌های مربیان سرخابی در آستانه دربی‌ها یا بعد از اتمام آن، همیشه برای رسانه‌ها از سخنان سیاستمداران جذاب‌تر بوده است و بخش عمده‌ای از انرژئ مخبرها برای خارج کردن یک تیتیر جنجالی از دهان مربیان دو تیم اختصاص یافته است. در میان مربیان خارجی قرمزها هر چه برانکو خنثی‌ترو سیاست‌تر بود آقای آلن را جرز خوراک ژورنالیست‌ها بود. مثلاً وقتی در تاریخ ۱۴ بهمن ۱۳۵۱ درباره دربی پیش‌رو گفت ما با لباس شنا به مصاف تاج می‌رویم! از قضا در همان روزهای زمستانی سال ۵۱ بود که در رسانه‌ها موجی راه افتاد از حرفه‌گرایی عجولانه پرسپولیس و خبر رسید که تیم اسپار تاک پراگ برای برگزاری بازی دوستانه با تیم حرفه‌ای پرسپولیس وارد ایران می‌شود. اسپار تاک آن روزها قهرمان بلامنازع فوتبال باشگاه‌های چکسلواکی بود که در آن سی سال گذشته، ۱۵ بار قهرمان این کشور شده بود. تیمی چنان خوفناک که تیم رم غول ایتالیا در آورده بود. راجر زپیش از آنکه تیم اولش را آماده چنین رقابتی کند دلمشغولی‌های دیگری در فوتبال ایران داشت که در هیچ کجای جهان نمونه‌اش را ندیده بود. او چنان از بازی‌های دفاعی، دفاع‌های اتوبوسی و مسابقه‌های بدون گل تیم‌های حریف پرسپولیس به تنگ آمده بود که یاد اسپار تاک‌ها نبود! کیهان ورزشی ۱۴ بهمن ۱۳۵۱ درباره این عصبانیت‌های او نوشته بود: آلن را جرز مربی انگلیسی پرسپولیس با اینکه تیمش در برابر تیم پله تهران برنده شده بود اما سخت عصبانی و ناراحت نشان می‌داد. اواز بازی دفاعی پله شکایت داشت و اظهار نمود که با این دفاع هشت نفره، در برابر هر تیمی می‌توان پایداری کرد. من از بازی با رانم به هیچ وجه راضی نیستم. آنها باید شش گل می‌زدند! پله فقط برای دفاع آمده بود و اگر وضع به همین منوال باشد پانصد نفر هم حتی حاضر نیستند به تماشای فوتبال ایران بایانند. مردم گل می‌خواهند نه بازی دفاعی. راجرز همچنین درباره دیدار مهم تیمش با تیم تاج نیز گفت: من درباره نتیجه بازی اظهار نظر نمی‌کنم اما اگر وضع زمین، این شکلی باشد که جلوی پله بود ما با لباس شنا به مصاف تاج خواهیم آمد! آن بازی را تاج ۱۱ اسفند ۵۱ با گل عادل‌خانی برد و راجرز هم لباس شنا پوشید.

داغ هجدهم: خیلی محرمانه
درباره دربی‌های خونین تهران سندهای بسیاری در تاریخ روایت شده است اما بی‌شک یکی از جالب‌ترینش همین است که از سازمان امنیت ایران در سال ۱۳۴۹ بجا مانده است و نشان می‌دهد که این بازی‌ها گاه تا کجا پای منابع امنیتی را به میان می‌کشیده و گوش‌های آنها را نیز می‌کرده است. در این سند بجا مانده از ساواک، منابع اطلاعاتی سازمان امنیت کشور، کرکری تیفوسی‌های دو تیم را در قالب سیاسی گزارش می‌دهد. سندی در طبقه‌بندی خیلی محرمانه و به شدت پراهمیت که از جزئیات نگرش‌های امنیتی به این بازی پرده برمی‌دارد. (کل نوشته‌ها را با ادبیات سند و بدون ویرایش و دست بردن آورده‌ایم): شماره گزارش: ۱۰۸۷۳۳/۳۵۲۰ تاریخ گزارش: ۱۳۴۹/۱۱/۶ منشأ: امجدیه. تاریخ وقوع: ۱۳۴۹/۱۱/۲ تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۱۳۴۹/۱۱/۲ تاریخ ملاحظات حفاظتی: ۱۳۴۹/۱۱/۵ موضوع: برخورد طرفداران تیم تاج با پرسپولیس: پس از پایان مسابقه فوتبال بین تیم‌های تاج و پرسپولیس تماشاچیان که در میدان بودند به دو گروه تقسیم شده و در خیابان براه افتادند. طرفداران تیم تاج خیلی کم بودند

۱۷

۱۸